

شهر ایرانی

در

سنگش جهانی

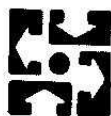
دکتر محسن منیر فلامکی

نشر فضا

وابسته به

مؤسسه علمی و فرهنگی فضا

تهران - پاییز سال ۱۳۹۶



سرشناسه : فلامکی، محمدمنصور، ۱۳۱۳ / Falamaki, Mohammad Mansour

عنوان و نام پدیدآور : شهر ایرانی در سنجش جهانی / محمدمنصور فلامکی.

مشخصات نشر : تهران: نشر فضا، ۱۳۹۶

مشخصات ظاهری : ۳ ج. (در یک مجلد): مصور.

شابک : 978-600-5638-22-6

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت : کتابنامه.

موضوع : شهرها و شهرستان‌ها / Cities and towns / شهرنشینی / Urbanization

موضوع : شهرنشینی -- ایران -- تاریخ

موضوع : Urbanization -- Iran -- History

موضوع : شهرها و شهرستان‌ها -- ایران

موضوع : Cities and towns -- Iran

موضوع : جامعه‌شناسی شهری

موضوع : Sociology, Urban

رده بندی کنگره : ۱۳۹۶ ش ۹ / HT ۱۵۱ / ۵۸

رده بندی دیویی : ۳۰۷ / ۷۶

شماره کتابشناسی ملی : ۴۸۱۴۷۵۰

نشر فضا

وابسته به

مؤسسه علمی و فرهنگی فضا

تهران: میدان هفت تیر، خیابان عبدالکریم شریعتی، پلاک ۳۸. تلفن: ۸۸۳۰۷۱۸۶

شهر ایرانی در سنجش جهانی

تألیف : دکتر محمدمنصور فلامکی

ویراستار: مالک خواجه‌وند

صفحه‌آرا: مهسا جعفری

چاپ نخست: پاییز ۱۳۹۶

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

طرح روی جلد: مؤسسه علمی و فرهنگی فضا

تمامی حقوق برای ناشر محفوظ است.

ISBN: 978-600-5638-22-6

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۶۳۸-۲۲-۶

فهرست مطالب

پیشگفتار ۱۱

کتاب اول

فصل اول

شناخت شهر

- ۱- وجود و جامعیت شهرها ۲۷
- ۲- شهر و محفل اجتماعی اش ۲۸
- ۳- شهر، چنان که تواند بود ۳۰
- ۴- شهر و پیوستگی های زمانی-مکانی اش ۳۳
- ۵- شهر و محفل مکانی-تاریخی خاص آن ۳۷
- * - شهر، چنان که می نماید ۳۹
- * - فضای جمعیت شهرنشین ۳۹
- ۶- ساختار شهر و نظام یافتگی مدنی شهرها ۴۲
- الف- شهر و ساختار آن ۴۲
- ب- ساختار ارگانیک شهر و نظم کالبدی-کاربردی-شکلی بناها ۴۴

- ۴۹..... پ- سرزمین و شبکه‌های ارتباطی شهرها
- ۵۰..... ۷- شهر و توان‌های سرزمینی آن
- ۵۴..... ۸- پیوندهای سرزمینی شهر
- ۵۸..... ۹- اعتقادات و بینش‌های زیست‌مندان شهر
- ۶۰..... ۱۰- شالوده‌ی کالبدی شهر
- ۶۴..... ۱۱- گستره‌ی جغرافیایی-تاریخی شهر
- ۶۴..... ۱۱-۱- جغرافیای تا دیروز شهرها
- ۶۵..... ۱۱-۱- میراث جغرافیدانان ایرانی و اروپایی
- ۶۶..... ۱۱-۲- گستره‌ی جغرافیایی شهر و دانش شهرسازی
- ۶۸..... ۱۱-۳- زمینه‌ی بارش‌های جغرافیای شهری
- ۷۰..... ۱۱-۲- تاریخ شهر، سه‌تاریخی و جغرافیای تاریخی شهرها
- ۷۱..... ۱۱-۲-۱- شهر و تاریخ نگران
- ۷۴..... ۱۱-۲-۲- چشم‌اندازهای از شهر
- ۷۶..... ۱۱-۲-۳- شهر و قدر سرزمینی آن در تریخی
- ۷۸..... ۱۱-۲-۴- نگاهی بر یک معما: تاریخ شهر، یا شهرتاریخی؟
- ۸۰..... ۱۱-۲-۵- شهر، به مثابه بستر «یکجانشینی» و «سازمان‌یافتگی» مردمان
- ۸۳..... ۱۲- شهر و تاریخ: همزیستی‌های کالبدی بناها و ساختار زیستگاه‌های انسانی
- ۸۳..... ۱۲-۱- شهر و حیثیت‌های آن
- ۸۶..... ۱۲-۲- مقوله‌ی زمان؛ زمان پدیده‌شناسانه در زندگی شهر
- ۸۹..... ۱۲-۳- «مکان» و نیاز به شناخت آن
- ۹۰..... ۱۲-۴- شهر و مقوله‌ی تاریخ آن

گزارش دوم

موجودیت‌های شهر

- ۹۴..... ۱- شهر و آن‌چه در ضمیر خود دارد
- ۹۶..... ۲- شهر، از چه زاده می‌شود؟
- ۹۸..... ۳- گستره‌های شناخت شهر
- ۱۰۷..... ۴- موجودیت‌های مکانی شهرها: سرزمین و اقلیم شهر
- ۱۱۰..... ۵- مفهوم «سرزمین» در گستره‌ی شهرسازی
- ۱۱۴..... ۶- شناخت اقلیم در گستره‌ی شهرها

- ۱-۱-۱۱۵..... اقلیم و عامل‌های تشخیص آن
- ۱-۲-۱۱۶..... شناخت عامل‌های شکل‌دهنده به اقلیم
- ۱-۳-۱۱۸..... شناخت ریشه‌ها و معناهای اقلیم شهر
- ۱-۷-۱۲۲..... ساختارهای کالبدی شهرها
- ۱-۷-۱۲۳..... شبکه‌های خدمت‌رسانی فنی-رفاهی شهری
- ۱-۷-۱۲۵..... موجودیت شهرساختی و جاذبه‌های شهرها
- ۱-۷-۱۲۸..... پیوستگی‌ها و وابستگی‌های شهر با محیط‌طبیعی
- ۱-شهر به مثابه هسته‌ای جمعیتی..... ۱۳۰
- ۱-۸-۱۳۰..... شهر به مثابه زیستگاه جمعیت‌شهرنشین
- ۱-۸-۱۳۲..... جامعه‌ی شهری و شهرنشینان
- ۱-۸-۱۳۴..... شهر به مثابه محفل فضاها، خانواده‌ها و تشکلهای اجتماعی
- ۱-۸-۱۳۶..... برای ارائه‌ی تعریف شهری بطلو، چه می‌توانیم کرد؟
- ۱-۴-۸-۱۳۷..... نگاهی دوباره به تعریف‌هایی برای شهر
- ۱-۴-۸-۱۳۹..... ابزارها، زمینه‌ها و شاخص‌های اصلی شهرها
- ۱-۴-۸-۱۴۴..... نیاز به «تعریف شهر»
- ۹-شهر و تعریف‌های آن..... ۱۴۶
- ۹-۱-۱۴۷..... شهر، در نگاه معماران
- ۹-۲-۱۴۹..... شهر، به مثابه موجودیتی تاریخی و متکی بر توان اقتصادی
- ۱۰-۱-۱۵۴..... شهر، به مثابه موجودیتی سرزمینی
- ۱۱-۱-۱۵۵..... مقیاس‌ها و محتوای دارایی‌های سرزمین شهرها
- ۱۲-۱-۱۵۹..... شهر به مثابه مکان شکل‌گیری و دگرپذیری عامل‌ها و پدیده‌های سرزمینی و جهانی
- ۱۳-۱-۱۶۱..... شهر و زندگی آن: حقیقت‌ها و واقعیت‌ها
- ۱۳-۱-۱۶۱..... مقدمه‌ای بر موضوع شهر
- ۱۳-۲-۱۶۳..... شهر به مثابه یک کلیت
- ۱۳-۲-۱۶۴..... شهر، به مثابه یک موجودیت پویا
- ۱۳-۲-۱۶۵..... «ساختار» شهر، ابزاری برای شناخت
- ۱۳-۲-۱۶۷..... یگانگی؛ مظهری از لحظه‌های زندگی شهر
- ۱۳-۲-۱۶۸..... چگونه به شهرها بنگریم
- ۱۳-۲-۱۶۹..... نگاهی تاریخی بر شهر
- ۱۳-۲-۱۷۱..... نگاهی بر شهر به مثابه موجودیتی اقتصادی

- ۷۳..... ۱۳-۲-۷- شهر به مثابه موجودیتی فرهنگی
- ۷۴..... ۱۳-۲-۸- شهر به مثابه موجودیتی اجتماعی-مدنی
- ۷۶..... ۱۳-۲-۹- شهر به مثابه چارچوبی فراگیر واحدهای معماری
- ۷۶..... ۱۳-۲-۱۰- شهر، در فاصله‌ی شناخت تا تعریف

کتاب دوم

شهر ایرانی

فصل اول

شناخت چگونگی‌های سکونت جمعی در ایران کهن

- ۸۱..... ۱- پیشینه‌های شهر ایرانی
- ۸۲..... ۲- شهر و شهرهای نخستین در متون‌های فارسی
- ۸۶..... ۳- نخستین مکان و نخستین همی‌ها
- ۹۲..... ۴- شهر و گستره‌های سرزمینی آن در ایران باستان
- ۹۲..... ۴-۱- شهر ایرانی، در نگاهی به پیشینه‌ها
- ۹۵..... ۴-۲- نخستین ویژگی‌های شهرنشینی در ایران باستان
- ۹۶..... ۴-۳- ویژگی‌های جایگزینی نخستین سکونتگاه‌ها
- ۹۹..... ۴-۴- «انقلاب شهری» و گستره‌ی پژوهش‌های باستان‌شناختی
- ۰۳..... ۴-۵- شهرهای ایرانویج، در نگاهی دوباره

فصل دوم

ویژگی‌های شهرسازی

- ۰۵..... ۱- شاخص‌های اساسی شهرایرانی
- ۰۷..... ۲- نگاهی به پیشینه‌های شهرنشینان ایران
- ۰۸..... ۲-۱- هست‌شناسی و دیدگاه‌های ایرانیان
- ۱۵..... ۲-۲- شهر به مثابه محفل زندگی آدمیان
- ۱۷..... ۲-۲-۱- نگاهی به یادداشت‌های تاریخ‌نگارانه‌ی ایرانیان در باب شهر
- ۲۵..... ۲-۳- در راه شناخت پیشینه‌های شهرایرانی
- ۲۵..... ۲-۳-۱- یکجانشینی و زیستگاه‌های کهن ایران
- ۲۸..... ۲-۳-۲- سازمان‌یافتگی و زیستگاه‌های کهن ایران

۲۳۰..... ۲-۳- یکجانشینی و سازمان‌یافتگی در گستره‌ی شهرشناختی ایران

فصل سوم

شهر، در فضای آروین‌ها و اندیشه‌ی ایرانیان

- ۱- یادآوری نکته‌هایی آغازین ۲۳۳
- ۲- شناخت اندیشه‌های آرمان‌شهری ایرانیان ۲۳۴
- ۱-۲- «جابلسا» و «جابلقا»؛ نگرش‌های آرمانشهری ایرانیان کهن ۲۳۷
- ۲-۲- شهر والاتر نظریه‌سازان ایران کهن: «هُورقلیا» ۲۳۸
- ۳-۲- نظریه‌پردازی‌های «اینجهانی-آنجهانی» و مدیریت آرمانی شهرها ۲۳۹
- ۴-۲- نگاهی به دوران سکونتایی اندیشه‌ها در ایران باستان ۲۴۱
- ۵-۲- برآمدن دین مبین اسلام در شرایط آمودشده خواسته‌ها و نظرها ۲۴۲
- ۶-۲- نگاهی به پیایی حکومت‌های بدلی ایرانیان ۲۴۴
- ۷-۲- سخنی در زمینه‌ی یک‌هزار سال شهرزیستن در ایران ۲۴۶
- ۳- فرود آمدن از پروازگری‌های ناب ۲۴۷
- ۴- شهر - و شهری به‌روزگار ما ۲۵۳

فصل چهارم

پیشینه‌های شهری زیستن ایرانیان

- بخش نخست- شهرهای اولیه در ایران ۲۵۵
- نگاهی به مرحله‌های رشد شهرهای ایران ۲۵۸
- بخش دوم- آفرینش فضا و زندگی شهری در ایران ۲۶۲
- ۱- دوره‌های تاریخی؛ بستر شهرهای شناخته‌ی ایران ۲۶۴
- ۱-۱- شهرهای شناخته‌شده‌ی ماد ۲۶۶
- ۲-۱- در راه شناخت شهر در دوران هخامنشیان ۲۶۸
- ۱-۲-۱- دو موجودیت در برابر یک‌دیگر: حکومت‌هخامنشیان و شهرهای ایران ۲۷۰
- ۲-۲-۱- نگاهی دوباره به سرزمین‌های زیر پوشش هخامنشیان ۲۷۸
- ۳-۲-۱- زمینه‌ها و دورنماهای اندیشه‌ی پادشاهان هخامنشی ۲۷۹
- ۲- یادداشتی برای شناخت نظام‌مدیریت سرزمین‌ها و شهرها در زمان هخامنشیان ۲۸۳
- ۳- جای «شهر» نزد مدیران سرزمین پهناور هخامنشیان ۲۸۸
- ۴- شهرهای ایرانی در دوران سلوکی‌ها ۲۹۱

فصل پنجم

منظری از شهرهای ایران در دوران اشکانیان

- ۱- یادداشتی آغازین ۲۹۸
- ۲- صحنه‌هایی از حرکت آغازین پارتیان ۲۹۹
- ۳- شهرها و سرزمین آن‌ها ۳۰۰
- ۴- نقش مدیریتی شهرها در طولانی مدت ۳۰۱
- ۵- شهرهای زیر پوشش پارتیان: پیوستگی‌ها و فاصله‌ها ۳۰۲

فصل ششم

تجربه‌ی شهرزیستی ایرانیان در دوران ساسانیان

- ۱- سرآغاز دوران و آتکاء بر شهر ۳۰۵
- ۱-۱- ساختار حقوقی شهر و سرزمین آن ۳۱۱
- ۲-۱- ویژگی‌های حقوقی-قانونی اجتماعات ساسانیان ۳۱۳
- ۳-۱- شهر ساسانیان در گردونه‌ی مادری: مقیاس سرزمینی ۳۱۴
- ۲- سازمان‌یافتگی‌های شهرها در گستره‌های استانی و ساتراپی ساسانیان ۳۱۶

فصل هفتم

دگرشدگی ساختارمدنی شهرها

- ۱- «فضای گذار» در تاریخ شهرهای ایران ۳۲۰
- ۱-۱- سرّ خاک و شهرهای برگزیده ۳۲۳
- ۲-۱- سرّ آب و شهرهای برگزیده ۳۲۴
- ۳-۱- شهرنشینان و گستره‌ی زندگی اجتماعی آنان ۳۲۶
- ۲- شهرایرانی در دوران مدرن ۳۲۸
- ۳- رشد و ماندگاری شهرهای ایران در هزاره‌ی تا انقلاب مشروطیت ۳۳۰
- ۴- شهرهای ایرانی: نگاهی به شهرهای برگزیده ۳۳۲
- ۴-۱- شهر دزفول و غنای طبیعت ۳۳۴
- ۴-۲- شهر شیراز و صلابت سنتی‌اش ۳۳۷
- ۴-۳- شاخص‌های رشد و دگرپذیری کاشان ۳۴۲
- ۴-۴- کرمان، در نگاهی که به ساختار شهری‌اش ۳۴۶

۳۵۳..... ۴-۵. گرگان؛ شهری همدل با رویش مدام

فصل هشتم

شهرهای معاصر ایران

شهرایرانی به سال‌های انقلاب مشروطیت

- ۱- شهرهای ایران از انقلاب مشروطیت تاکنون ۳۵۸
- ۱-۱- پیشینه‌های تلاش شهری زیستن در ایران ۳۵۸
- ۱-۲- ابزارهای شناخت و سنجش زندگی شهری ۳۶۰
- ۱-۳- گستره‌های زیستی اهالی ایران ۳۶۱
- ۱-۴- شهرهای ایران در شرایط اجرای قانون مشروطیت و پس از آن ۳۶۴
- ۱-۵- شهرهای ما، به ده‌های دهی گذرانیم ۳۸۰
- ۱-۶- یادداشتی بر فضای شهر زیست ایرانیان ۳۸۳

کتاب سوم

شهرها به سنجش جهانی

فصل اول - سنجش شهرها

- ۱- شهر و چشم‌اندازهای آن ۳۸۷
- ۲- نگاهی فراگیر بر شکل‌گیری زیستگاه‌های انسانی ۳۸۸
- ۲-۱- گروه‌های اشتراکی اولیه ۳۸۹
- ۲-۲- شهرهای بازرگان ۳۹۱
- ۲-۳- شهرهای بازرگان توسعه‌یافته ۳۹۹
- ۲-۴- شهرهای صنعتی ۴۰۲
- ۲-۵- شهر بزرگ صنعتی ۴۰۸
- ۲-۶- «مادرشهر»های صنعتی ۴۰۸
- ۲-۷- شهر بزرگ جهانی‌شده (متروپول‌ها) ۴۰۹
- ۲-۸- شهرهای «مِه‌گونه» ۴۰۹
- ۲-۹- ابرشهرها (مگالوپولیس‌ها) ۴۰۹
- ۳- بهره‌وری از فرصت‌های محیطی-انسانی ۴۱۳

فصل دوم

شناخت شهرهای امروز ایران

- ۱- سنجش پیشینه‌های شهرسازی ایرانیان ۴۱۴
- ۲- شالوده‌ی ساختاری مدرن شهرها: ابزاری برای شناخت و سنجش ۴۱۷
- ۱-۲- شالوده‌ی ساختاری ۴۱۷
- ۱-۱-۲- شالوده‌ی ساختاری شهرها ۴۱۷
- ۲-۱-۲- شالوده‌ی فضای شهری ۴۲۲
- ۳-۱-۲- شالوده‌ی فضای کالبدی شهرها ۴۲۶
- ۴-۱-۲- پویایی شالوده‌ی ساختاری شهرها ۴۲۸
- ۵-۱-۲- نگاهی به دادوستدهای سرزمینی ۴۳۴
- ۶-۱-۲- شناخت بحران در مرحله‌های شکل‌گیری شهرها ۴۳۶
- ۷-۱-۲- شهرهای صنعتی اولیه و شکوفا ۴۳۹
- ۸-۱-۲- گذار از سنت‌های شهری زراعتی در ایران ۴۴۷
- ۹-۱-۲- دوران شهرسازی مدرن و آغازین سال‌های سده‌ی بیستم میلادی ۴۵۰

فصل سوم

شهرسازی: «نهضت معماری مدرن» و پس از آن

- ۱- شهر به جهان امروز ۴۵۲
- ۱-۱- امروز، چگونه به شهرها بنگریم؟ ۴۵۳
- ۲-۱- خاک و زمین و شهروندان ۴۵۳
- ۳-۱- فضا و فضای کالبدی ۴۵۴
- ۴-۱- سرزمین شهری ۴۵۵
- ۲- تدبیرهای اصولی و طرح‌های نو برای آینده‌ی شهرها ۴۵۹
- ۳- نهضت معماری مدرن و دست‌آوردهای آن در شهرسازی ۴۶۱
- ۴- پایتخت‌های نوین ۴۶۲
- ۵- شهرهای نو و نوسازی‌های شهری به مقیاس گسترده ۴۶۸
- ۶- رویدادها و شخصیت‌های فضای تجربی شهرسازی مدرن ۴۶۹
- ۷- پایه‌های نظری تجربه‌های شهرسازی مدرن ۴۷۰
- ۱-۷- تجربه‌های شهرسازی: از اقدامات مدیریتی تا بهره‌وری‌های تجربی ۴۷۰
- ۲-۷- شهرسازان در فضای علمی ۴۷۲

- ۸- شهرسازی به‌مثابه دانشی تجربی در جهان ما ۴۷۵
- ۹- جهان روزمره‌گی‌های شهرسازی‌مدرن ۴۷۶
- ۱۰- شهر بزرگ به چهره‌ی امروزی: «ابرشهر»ها ۴۷۹
- ۱۱- بازشناسی محفل‌شهری درون ابرشهرها ۴۸۲
- ۱-۱۱- ساختار مدیریتی فضای ساخته‌شده در ابرشهرها ۴۸۴
- ۲-۱۱- «مکان» ابرشهرها در پهنه‌ی زندگی سده‌ی بیست‌ویکم ۴۸۶
- ۱۲- ابزارهایی برای سنجش وضعیت کنونی شهرسازی‌مدرن در ایران ۴۸۷
- فهرست تصاویر ۴۹۱
- فهرست منابع فارسی ۴۹۹
- فهرست منابع انگلیسی ۵۰۲

..*..

پیشگفتار

کتاب را به عشق باید نوشت و آمیختن با آن سیری دارد پُررمزوراز و در طول پیمودن راهش، پُرشمار نکته‌هایی زیسته‌می‌شوند که پیش‌تر، به عالم دانسته‌های نویسنده نیامده‌اند.

آفریننده‌ی هر فرآورده‌ی نوشتاری که می‌رود تا چاپ‌شود، هرآینه تنها آن‌چه را می‌داند، بنویسد، تنها به روز زیسته‌است؛ رمزوراز گذار از روشنایی به تاریکی را نمی‌تواند دریابد و با چگونگی‌های گذار از صحنه‌هایی که آشکار به‌نظر می‌رسند آشنا نمی‌شود.

روزها و شب‌ها، پیوسته دگر می‌شوند؛ هم برای خردسالان و هم برای کسانی که دگر بردن - دگر شدن روزها را چندان به دفعات تجربه کرده‌اند که به یکسان بودن آنها را با به «آرام آرام یکسان از آب درآمدن» آنها رسیده‌اند و این، دریافت کسانی نیست که هر شبانه‌روز زندگی‌شده‌ی خود بر روی سرزمین خدا را - به‌سان دره‌ای بر خرد دار از تشخص زمان زندگی‌شده در مکان - تجربه‌ای دگر از گذار روزها و شب‌ها می‌بینند و پیدا نیست، آنان که شهر را ظُرف رویدادهایی می‌نمایانند که هم راه - هم زاینده‌ی نظم‌اند، تاجه‌اندازه می‌توانند خود را آزاده یابند.

نگاه کردن به شهر، آنگاه بیس - ساحی نگری زاده‌شده از منطق روی می‌آورد که شهر و شناخت شهر را برپایه‌ی آن چه می‌نمایاند، می‌یابد و شناخت‌شناسی شهرها را برپایه‌ی آن چه می‌نمایانند، نویز می‌کند.

*

نکته‌ای که گفتیم آورنده‌ی معمایی است که پژوهندگان مقوله‌های شهرسازی پیش‌روی دارند و هرآینه خواهند، سوای آن‌چه درباب فرهنگ‌سازی شهرشناختی مرسوم است بگویند، کارشان به دشواری می‌کشد: زیرا شهری که بازشناخت آن را عهده‌دار شده‌اند الزاماً برپایه‌ی الگوهای کاربردی - رفتاری، زیست‌محیطی مکانیکی و جامعه‌شناسی ارتباطاتی، توصیف یا بازخوانی نتواند شد.

راه و روشی که برای بازشناخت حقیقت‌های نهفته در شهرها - و در شهرهای ایران، به‌ویژه - در اختیار داریم، جز راهی را نمی‌یابد که از قرائت هر آن‌چه رخ می‌کند، گزارش دهد؛ جایی که پژوهندگان، در برابر معمای گذار از «صورت» به «معنا» قرار نمی‌گیرند و به‌دور از آن‌چه در عالم حقیقت رخ کرده (و می‌کند)،

از طریق اتکاء بر «ماده»، راه رسیدن به آن چه را باید شناخت، می‌پیمایند.

✱

آن چه خوانندگان این کتاب می‌یابند، با ذات معمایی که گفتیم آشنا است و با آن درمی‌آمیزد تا مگر بتواند به جلوه‌هایی از راستی‌ها و درستی‌های جاری در شهرهای ایران، برسد. رسیدن به این امر اما، خود، مقوله‌ای دگر است و «کتابی» می‌خواهد، بناشده بر ساختاری دگر.

چنان که از معنای برآمده از فهرست این کتاب می‌توانیم بیابیم، متن حاضر پذیرای آن شده‌است که زمینه‌های دریافت شهر به بیانی متعارف (و جاری در محافل دانشگاهی) را بنمایاند و سپس، به مناسبت لزوم شناخت علمی-فنی برخی مقوله‌های جاری در همه‌ی شهرهای همه‌ی آدمیان، ابزارهای لازم برای ه‌حق‌کین شناختی متفاوت از آن چه را در کتاب‌های درسی دانشگاهی جاری می‌آید، فراهم آورد.

✱

در نهاد کتبی، به دست داریم، رمزی نهفته است کم‌یابیش شناخته و رسوا: کتاب ما سی‌خواد در دگربودن شهر و فضای مدنی شهرهای ایران، به زبان و بیان خاص آن، پردازد؛ که این، خود، زاینده‌ی مسأله‌ها و ابهام‌هایی می‌شود که ریشه‌ی علمی-دانشگاهی جهانی دارند. به این نکته به بیانی دگر نیز می‌توانیم پردازیم.

هرآینه گزارش‌نویسی‌های تاریخی در باب شهر در میان نبود، یعنی اگر «مامفورد»ها، «پوئت»ها و «وبر»ها گزارش‌هایی برای شناسایی شهرها به دست ما نمی‌دادند، آیا ما امروز همان چیزی را می‌نوشتیم که اکنون پیش‌روی خود داریم؟ و پاسخ، روشن است. انسان‌ها، با اتکاء بر آن چه می‌دانند، به مقوله یا مقوله‌هایی نو می‌رسند و از این روی، در باب خاستگاه این کتاب، با وضعیتی روشن روبه‌رویم: بزرگان دانش شهرشناسی غرب، با آن چه در ذات شهرهای مشرق‌زمین بوده و گذشته است، آشنا نبوده‌اند؛ نه این که سخنی نارسا گفته‌باشند.

کتاب پیش‌روی، بر مجموعه‌ای از دو گونه «یافته» یا «داده»های متمایز، استوار است: نخست، آن چه از فرهنگ و ادبیات شهرشناختی مغرب‌زمین به دست آمده

و دوم، آن نکته‌های برخاسته از شهر ایرانیان که افقی دگر و خاستگاه‌هایی ویژه‌ی خود دارند. این نکته‌ی در حد و مقام مقدمه بر کتاب را نمی‌توانیم، به سخن هرچند کوتاهی که ذاتی جهانی دارد، رها کنیم.

بنگریم که آدمیان «یکجانشین» و «سازمان‌یافته»، آنگاه که در مقیاس «شهر» و در پهنه‌ی سرزمینی آن می‌زیند، به دو شیوه‌ی متمایز (و برخوردار از تقارن) به این محفل گذار خویش می‌نگرند؛ این دو عبارت‌اند از:

اول- در میانه‌ی میدان سه نسل زیستن.

دوم- در پیایی نسل‌ها، خویشتن خود را یافتن.

چنان‌که پیدا است، این دوگونه نگرش - که می‌توان اولی را به ایرانیان و دومی را به زیست‌مندان مغرب‌زمین نسبت‌داد - دو فضای اجتماعی-فرهنگی متمایز به وجود می‌آورند؛ دو نگرش فردی-انسانی متفاوت را رشد می‌دهند، دو گونه رفتار آفرینشی - برای فرآورده‌های هنری - را به دنبال دارند و - چنان‌که پیداست - هر یک که بار اجتماعی و مدنی ویژه‌ی خود را دارند، زمان، حیات و جوّ زندگانی خاصی را به بینشی خاص خود، می‌زیند.

دانشه‌های غربی‌ها، مانعی بر پیشینه‌هایی که استوار بر نظم و بر اسناداند، وجه رسمی اجتماعی پیدا می‌کنند؛ در جمع قرائت می‌شوند و بر توان آفرینش‌های ابداعی، هنری و صنعتی اثرگذار می‌مانند؛ قابل‌بازشناسی دارند؛ ضمن این که شکل و موجودیتی ملموس و قابل‌سنجش را رایج می‌کنند.

آن‌چه نزد ایرانیان - از دیرباز تا امروز - جاری است، صورت و معنایی دگر دارد؛ نه پرهیزکار و نه گشاده‌دست است؛ نه امم است و خواستار فرمانبرداری؛ نه سخن‌گویی است به بیان روز و نه پرهیزکاری خموش. این‌گونه جوّ اجتماعی متفاوت، گونه‌ای متمایز از فضای ساخته‌شده می‌آفریند. بنگریم که جوّ کالبدی شهرهای ایران، تنها براساس شاخص‌های کاربردی شناخته‌شده‌ی قابل‌رؤیت‌اش، جوّ کاربردی شهر را به‌نمایش نمی‌گذارد و اسرار درون‌اش را به زبانی روشن یا تهی از رموزراز - حتی برای همه‌ی لایه‌های اجتماعی شهروندان - نمی‌نمایاند. این نکته، نمایانگر وجود دشواری‌هایی درباب قرائت شهرهای ایرانی است و پیدا نیست این نکته تا چه میزان توانسته‌است در متن کتاب، نمایان شود.

رازهایی - که هم گونه‌گون‌اند و هم پرشمار - در بستر شهرهای ایرانی وجود

دارند که رمزشان، به فرموده‌ی نظامی، پرده‌ای است که بر چهره یا وجودشان گذارده شده است و این پرده‌های کم‌یابیش پرشمار را، هرآینه کنار زنی، دانسته نیست که هنوز بیش پرده‌ای نیایی تا چشمانت بتواند رخی از واقعیت (و نه هنوز حقیقت) را ببینند. آن چه به اشاره آوردیم، از جمله، نمایانگر آن است که خوانش شهرهای ایرانی، امری یکسره بی‌رمزوراز نیست و هر آن چه می‌توانی یافت، نه همه‌ی آن است که بر ذات شهر و بر کالبد آن، نور می‌تاباند.

*

چنان که از پیشانی این مجموعه یادداشت‌ها برمی‌آید، قصد آن بوده که هریک از سه کتابی که به همسایگی یک‌دیگر آمده‌اند، دارای سخنی هم متمایز و هم مکمل یک‌دیگر باشند و «کتاب» نامیده شدن هریک از این سه بخش، قصدی جز عمدی محتواها نداشته است.

معتادای سه کتاب، برهائی یگانه دارند و هرآینه نویسنده‌ی آن‌ها عنوان بدارد که چون یگانه به خواننده به جدا کردن شان اقدام کرده (تا مگر ابزارهایی برای غور در جهان کتاب بدست خواننده بدهد)، سخنی ناب‌جا نگفته است. آن چه در کتاب اول می‌آید، در هر دو کتاب دوم و سوم، به مناسبت‌هایی که ذاتی شهراند بازآورده نمی‌شود اما، به بری دیگر، به طعمی دگر و به مفهومی هم متمایز و هم مکمل در عالم معنا، بازآورده می‌شود. شهرهایی که در ضمیر خود یگانه‌اند، به مناسبت جدا آمدن، تأکید بر ذاتی یگانه و جلوه‌ای متمایز دارند و در این زمینه ناب‌جا نیست گفته شود که نویسنده‌ای یگانه از مقوله‌ای آن نیز یگانه، سخن گفته و در جداسازی آن در سه باب، یادداشتی «طبیعی» داشته است. از این نکته که بگذریم، عنوان کتاب نیز به میان می‌آید؛ جایی که نیاز به سنجش شهرها، خود، مقوله‌ای شایسته‌ی تدبیر به نظر می‌رسد و دوست دارد توجه دهد که بینش‌ها و روش‌های پرداختن به فرآورده‌های تجربی انسان‌ها، به دلیل «خاک» و به دلیل «آب» و به دلیل «سرزمین»، نمی‌توانند یکسان باشند. از این دیدگاه است که سه مجلد یگانه شده، درون یک نظام شماره گذاری یگانه قرار می‌گیرند.

*

نیاز به سنجش بردن شهرهای ایرانی با سایر شهرهایی که انسان‌ها می‌زیند، برای جو علمی-آکادمیک کشورمان، از راه و روش خاصی پیروی می‌کند که

اشاره‌هایی به آن می‌تواند موضوع عنایت خواننده‌ی کتاب باشد. فرآورده‌ای که پیشکش خواننده‌اش می‌شود، بر بستر تاریخی شهرهای ایرانی و جهانی تکیه نمی‌کند.

تاریخ شهرزیستی انسان‌ها در مغرب‌زمین - یعنی جایی که بیش از هر گستره‌ی زندگی‌شده‌ی دیگر از جهان، زیر پوشش پژوهشی قرار گرفته و از همه‌ی رازورمزهایش در طول تاریخ خبر به‌میان آورده شده‌است - در نهایت امر، گوشه‌ای از جهان زندگی‌شده‌ی ما را کاویده و همه‌ی آن‌چه را می‌بایست، به شناختی متوازی و متقارن به‌میان‌نیاورده‌است تا به ترازوی درست - در عالم شناخت - راه دهد.

در این زمینه، به‌جا می‌دانیم یادآور دو نکته‌ای شویم که اساسی یا ریشه‌یی‌شان می‌شناسیم؛ بنگریم که:

نخست - پژوهشگران مغرب‌زمین - که پیش از دیگران و بیش از همه‌کس، به بازشناخت تاریخ شهرها پرداختند و مستند و برخوردار از بینش علمی از این مهم گفتند - آنچه آردند، سخن از گستره‌ی جغرافیایی کم‌یابیش محدودی دارد که داده‌های یافته‌ی عینی آن‌ها را در دسترس داشته‌اند. در میان آن پژوهشگران، معتبرتر از «فرستل دوکولانژ» را به‌دشواری می‌توان یافت؛ چه آنکه او جهان غرب را برون از جغرافیای جهانی‌اش، ماندگار کرده و آورنده‌ی سخنی است که از دیدگاه علمی، به‌سختی معتبر می‌نماید.

چنان‌که در متن کتاب به اشاراتی بیش می‌آییم، آن فضای علمی-پژوهشی معتبر که جو علمی-آکادمیک مغرب‌زمین را تا دهه‌های پایانی سده‌ی بیستم پوشش می‌داده‌است، به دریافت آخرین یافته‌ها و تدوین آن‌چه دوست می‌داشت به‌عنوان ابزارهای شناخت تاریخ شهرها داشته‌باشد، می‌رسد. نیز - جز این‌ها - به شناخت مونوگرافیک شهرها اقدام می‌کند و به شناخت همه‌چیز، در این زمینه، دست می‌یابد.

دوم - دیگر مقوله‌ای که در باب بازشناخت موجودیت و ماهیت شهرها، نزد اروپاییان و بر مبنای روش و بینش علمی آنان، پر قدر و اصولی می‌نماید، راه و روش‌هایی است که اروپاییان برای پژوهش، بازشناسی، سنجش و نیز ارائه‌ی برداشت‌های علمی، در جهان تاریخی-تجربی آدمیان ساخته و بر آن اتکاء

داشته‌اند.

آن‌چه را دوست داریم در باب مجموعه فرآورده‌های شهرشناختی پژوهشگرانی دانشمند که در این باب آثاری جهانی به دست داده‌اند، بگوییم، در این نکته خلاصه تواند شد: «به استناد منطق، زیستن» و «برپایه‌های تجربه‌شده و همیشه‌مثمر بودن راه و روش منطقی، زیستن»، دارای برهائی ممتاز و متمایز است. از آن میان، یکی، درستی و کمالی است که از راه و روش منطقی برمی‌خیزد و آدمی‌زاده را تا آینشتاین‌های روزگار ترفیع می‌دهد و دومی، «در محدوده‌ی منطق زیستن» است که نمی‌تواند طعم بینش ارسطویی را نادیده بگیرد و - علی‌رغم یادداشت‌های یگانه‌ی «هوسرل»‌ها و «هایزنبرگ»‌های روزگار - به راه روشی بدیل - که بتواند توان جهانی‌شدن بیابد - برسد.

این در نکته‌ی گفتیم، به دنیا آورنده‌ی ابهام‌ها، تردیدها، اطمینان‌ها و سخت‌کوشی‌ها و به دست‌دهنده‌ی اکتشافات علمی-کیهانی و نیز نظریه‌پردازی‌هایی می‌شوند که - بی‌الزام در ترویج و پیش‌رفتن تا سطح جهانی‌شدن - از جمله، بر دانش شهرشناسی سایه می‌افکنند.

✱

کتاب‌های اول و سوم - که در مجلدی یگانه به دست خواننده‌ی فارسی‌زبان سپرده می‌شوند - ضمن پرداختن به سیر تحوّل‌هایی که در طول تاریخ شکل گرفته‌اند، از نگاهی تاریخ‌نگارانه، بدیند؛ مانند آن‌جا که به سیر تحوّل زیستگاه‌های انسانی، از ناب‌ترین تا پیچیده‌ترین و پیش‌بینی‌ناشدنی‌ترین رویدادهای شهرشناختی می‌پردازد و «تیم‌های اولیه» را رودرروی «ابرشهر»‌ها می‌گذارد و این، امری است که نمی‌خواهد بار و بینشی تاریخی - و متداول را - پذیرا شود.

در این دو کتاب با دو فضای متفاوت روبه‌روی می‌شویم: اولی (کتاب اول)، گزارشگری «ساده‌روی» در باب شهر است و دومی (کتاب سوم)، نیاز به سنجش و متکی بودن بر معناها و بینش‌ها را به میدان شهرشناختی می‌آورد. ناگفته پیداست که کتاب دوم، بی‌دلیل میان این دو کتاب، قرار نگرفته‌است و عنایت به آن‌چه را که رمزوراز زندگی انسان‌ها و انگیزه‌های کم‌یابیش مخدوش‌شده‌ی آنان - از روزمره‌گی تا کائناتی - گشته‌است، به پهنه‌ی شهرهای ایرانی می‌آورد.